

An Analysis of the Concept of Innate Moisture in Persian Medicine

Tahereh Amirian¹,
Amirsaeed Hosseini²,
Mohammad Yousofpour³,
Mohammad Kamalinejad⁴

¹ PhD in Persian Medicine, Faculty of Medicine, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

² Assistant Professor, Traditional and Complementary Medicine Research Center, Addiction Institute, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

³ Assistant Professor, Department of Persian Medicine, Faculty of Medicine, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

⁴ Researcher, Faculty of Medicine, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

(Received January 16, 2023 ; Accepted June 10, 2023)

Abstract

Background and purpose: In Persian medicine, it is believed that the creation of life and its continuation depends on Innate Moisture, and natural human death occurs when this moisture ends. Despite the use of this term in medical texts, there is no acceptable understanding of this concept. The purpose of this research was to provide a systematic summary of data about Innate Moisture from the perspective of traditional physicians in different centuries, to explain that and enable more use of this concept in clinical setting.

Materials and methods: The keywords in this study were as follows: Innate Moisture, Original Moisture, Moisture, al-Rotuba al-Ghrizia, al-Rotuba al-Asliyyah, Innate Humidity, and Natural Moisture in both Persian and English. We used Rodgers' evolutionary concept analysis which consists of a series of overlapping steps whose main goal is to clarify the concept.

Results: In medical books, Moisture is considered from two perspectives: Moisture as an accident (quality) and Moisture as a substance (moist substance). Innate Moisture is present as a moist substance in the human body. The nature of Innate Moisture is less discussed in sources, but physicians are in agreement about its role as a main basis for the continuation of human life.

Conclusion: Innate Moisture can be divided into two types; original (originated from zygote) and non-original (originated from nutrition). Non-original Innate Moistures are considered as alternative for original Innate Moisture so that the original Innate Moisture is reduced less and remains as long as the natural life of the person continues.

Keywords: Innate Moisture, AVECINA, Traditional Persian Medicine, Natural Moisture, moisture

J Mazandaran Univ Med Sci 2023; 33 (222): 135-145 (Persian).

Corresponding Author: Mohammad Yousofpour - Faculty of Medicine, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran. (E-mail: m.yousoufpour@yahoo.com)

تحلیلی بر مفهوم رطوبت غریزی در طب ایرانی

طاهره امیریان^۱

امیرسعید حسینی^۲

محمد یوسف پور^۳

محمد کمالی نژاد^۴

چکیده

سابقه و هدف: در طب ایرانی اعتقاد بر این است که ایجاد حیات و ادامه آن به رطوبت غریزی وابسته است و مرگ طبیعی انسان زمانی رخ می‌دهد که این رطوبت به پایان می‌رسد. علی‌رغم کاربرد این واژه در متون طبی، درک واحدی از مفهوم رطوبت غریزی وجود ندارد. هدف ما در این پژوهش ارائه یک جمع‌بندی منظم از داده‌های مرتبط با مفهوم رطوبت غریزی از دیدگاه اطباء کهن در قرون مختلف است، تا ضمن تبیین مفهوم رطوبت غریزی، استفاده‌های بالینی بیش‌تری از این مفهوم را مقدور سازد.

مواد و روش‌ها: برای استخراج اولیه داده‌ها کلیدواژه‌های رطوبت غریزی، رطوبت اصلی، رطوبت، الرطوبه الغریزه، الرطوبه الاصلیه، Innate Humidity, Innate Moisture و Natural Moisture متناسب با محیط جستجو، مورد استفاده قرار گرفت. در این مطالعه از روش تحلیل مفهوم راجرز استفاده شده است. این روش شامل یک دسته از مراحل هم پوشاننده است که هدف اساسی آن، شفاف کردن مفهوم می‌باشد.

یافته‌ها: در کتب، رطوبت از دو منظر مورد توجه قرار گرفته است: رطوبت به‌عنوان عَرَض (کیفیت) و رطوبت به‌عنوان جوهر (ماده رطب). رطوبت غریزی به‌عنوان یک ماده رطب در بدن انسان وجود دارد. اگرچه در منابع، ماهیت رطوبت غریزی کم‌تر مورد بحث قرار گرفته است ولی نقش آن به‌عنوان یک پایه اصلی برای تداوم حیات انسان مورد اتفاق نظر اطباء می‌باشد.

استنتاج: رطوبت غریزی به دو دسته اصلی (ناشی از نطفه) و غیراصلی (ناشی از تغذیه) قابل تقسیم است. انواع رطوبات غریزی غیراصلی، جایگزین رطوبات غریزی اصلی می‌شوند، تا رطوبت غریزی اصلی در حد امکان دچار کم‌ترین تحلیل شده و تا زمانی که عمر طبیعی فرد اقتضا می‌کند، باقی بماند.

واژه‌های کلیدی: رطوبت غریزی، ابن سینا، طب سنتی ایرانی، رطوبت اصلی، رطوبت

مقدمه

در طب ایرانی مفهوم رطوبت و حرارت (moisture and heat) از مفاهیم کلیدی محسوب می‌شوند. حکما معتقدند ایجاد حیات و تداوم آن وابسته به ماده‌ای است که آن را رطوبت غریزی (Innate Moisture or Natural moisture) می‌نامند. آن‌ها همچنین عقیده دارند تمام اعمال فیزیولوژیک بدن

E-mail: m.yousofpoor@yahoo.com

مولف مسئول: محمد یوسف پور - ساری: کیلومتر ۱۷ جاده فرح آباد، مجتمع دانشگاهی پیامبر اعظم، دانشکده پزشکی

۱. دکترای تخصصی طب ایرانی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۲. استادیار، مرکز تحقیقات طب سنتی و مکمل، پژوهشکده اعتیاد، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۳. استادیار، گروه طب ایرانی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۴. محقق، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶ تاریخ ارجاع جهت اصلاحات: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۳/۲۰

انسان با واسطه حرارت غریزی (Innate heat) انجام می‌شود. از نگاه ایشان، مرگ طبیعی انسان نیز به دلیل تحلیل رطوبت غریزی و به دنبال آن خاموشی حرارت غریزی رخ می‌دهد (۱). اهمیت رطوبت غریزی در طب ایرانی به اندازه‌ای است که در متون پزشکی ایرانی رسالت علم حفظ‌الصحه (نگاهداشت تندرستی)، حفظ این رطوبت از تحلیل و عفونت دانسته می‌شود. بوعلی سینا در کتاب قانون اشاره می‌کند که اصول حفظ‌الصحه برای رهایی از مرگ و آسیب‌های خارجی و یا طولانی کردن عمر نیست، بلکه این اصول دو امر را تضمین می‌کند: یکی منع عفونت و دیگری حفاظت از رطوبت (غریزی) تا تحلیل پیدا نکند و قوت آن تا زمانی که مزاج اقتضا می‌کند، باقی بماند. تدبیر صحیح باعث می‌شود تا حد ممکن آنچه از رطوبت تحلیل رفته جایگزین شود و هم‌چنین باعث جلوگیری از به وجود آمدن عفونت می‌شود (۲). رعایت تدابیر طب ایرانی سرعت از بین رفتن رطوبت غریزی را کاهش می‌دهد، در نتیجه فرد سلامتی بیش‌تری تجربه می‌کند و درعین حال به نهایت عمر طبیعی خود نزدیک می‌شود و در مجموع از پیری زودرس جلوگیری نماید.

علاوه بر ارتباط حفظ رطوبت غریزی با سلامتی، به رطوبت در امور طبیعی نیز پرداخته شده است. امور طبیعی در طب ایرانی بر هفت اصل کلی شامل ارکان، امزجه، اخلاط، اعضا، ارواح، قوا و افعال استوار می‌باشد. در هر کدام از این امور به گونه‌ای به مفهوم رطوبت پرداخته شده است. در ارکان، امزجه و قوا صحبت از کیفیت رطوبت است و در اخلاط، اعضا و ارواح علاوه بر کیفیت رطوبت، به ماده رطب نیز اشاره می‌شود (۳).

با نگاه به متون در می‌یابیم که مطلب جامع و پیوسته‌ای از رطوبت غریزی در کتب طب ایرانی وجود ندارد. این که رطوبت غریزی چیست؟ چگونه ایجاد می‌شود؟ مکان حضور آن در کدام عضو است؟ همگی از سوالاتی است که در متون مختلف به‌صورت پراکنده به آن پرداخته شده است و همین امر سبب شده است

که درک واحدی از معنا و مفهوم رطوبت غریزی وجود نداشته باشد. ما در این مقاله کوشش کرده‌ایم، داده‌های مرتبط با رطوبت غریزی از دیدگاه حکمای مختلف را مقایسه و با جمع‌بندی منظم و تحلیل آن‌ها درک واحدی از این مفهوم ارائه نماییم.

مواد و روش‌ها

در این پژوهش از رویکرد تحلیل مفهوم راجرز استفاده گردیده است. این رویکرد از جستجوی متون با استفاده از کلیدواژه‌ها شروع می‌شود و دارای شش مرحله می‌باشد. در این روش بررسی جنبه‌های زمینه‌ای از مفهوم مورد نظر، موجب درک درست از موقعیتی که مفهوم در آن به کار گرفته شده است می‌گردد، مخصوصاً در مواردی که مفاهیم در شرایط متفاوت و توسط افرادی با دیدگاه‌های متنوع به کار گرفته می‌شوند. رویکرد راجرز شامل یک دسته از مراحل هم‌پوشانده است که هدف اساسی آن، شفاف کردن مفهوم است (۴). مراحل مطالعه به صورت زیر انجام گرفت:

تعیین مفهوم مورد نظر و بیان واژه‌های مرتبط: مفهوم مورد نظر رطوبت غریزی می‌باشد. واژه‌ای که با آن مرتبط است رطوبت اصلی است.

انتخاب محیط مناسب برای جمع‌آوری داده‌ها: جستجوی نمونه‌ها در پایگاه‌های نرم‌افزار جامع طب نور ۱/۵، نرم‌افزار ملاصدرا، نرم‌افزار ابن سینا، پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags)، کتابخانه دیجیتالی نور (Noorlib)، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، بانک اطلاعات مقالات علوم پزشکی ایران (Iran Medex)، Google Scholar و Pubmed صورت گرفت. در ادامه برای استخراج اولیه داده‌ها کلید واژه‌های رطوبت غریزی، رطوبت اصلی، رطوبت، الرطوبه الغریزیه، الرطوبه الاصلیه، Innate Moisture، Natural Moisture، Innate Humidity متناسب با

محیط جستجو، مورد استفاده قرار گرفت. جهت جمع آوری و طبقه‌بندی داده‌ها، ابتدا بررسی از کتب قانون و اسفار اربعه در نرم‌افزارهای فوق آغاز شد. نمونه‌گیری در این مطالعه نمونه‌گیری هدفمند بود که نمونه‌های بعدی بر اساس مفاهیمی که در طول پژوهش در فرآیند تحلیل داده‌ها ظاهر شدند، انتخاب گردید. در این پژوهش کتب قانون، شفا، الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه، الاشارات و التنبيهات (مع المحاکمات)، عین الحیاه، بحر الجواهر، شرح فصول بقراط (ابن نفیس)، شرح اقسرائی، معالجات عقیلی، خلاصه الحکمه، مفرح القلوب، ذخیره خوارزمشاهی، الاغراض الطبیعه، خلاصه التجارب، الشامل، کامل الصناعه مورد بررسی قرار گرفت.

جمع‌آوری و دسته‌بندی داده‌ها: داده‌های حاصل از جستجوی کتب و مقالات در سه دسته ویژگی‌ها (تعاریف، ماهیت و توصیفات مربوط به رطوبت غریزی)، پیشنهادها (عوامل موثر بر رطوبت غریزی) و پساندها (عملکردهای رطوبت غریزی) قرار گرفت.

تحلیل داده‌های مرتبط با مفهوم: در روش راجرز از تحلیل درون مایه‌ای (Thematic analysis) و شبیه به تحلیل محتوا به عنوان راهکار تحلیل استفاده می‌شود. با مطالعه و مقایسه مستمر داده‌ها به کشف شباهت‌ها، تفاوت‌ها و ارتباط بین آن‌ها پرداخته شد و بر این اساس عنوان و زیرعنوان‌های مناسب شکل گرفت و مفاهیم برای

ارائه در مقاله دسته‌بندی گردید. در تحلیل داده‌ها، هر قسمت از عناوین چندین بار در جمع سه نفر از متخصصین طب ایرانی مورد بازخوانی و مباحثه قرار گرفت. سر انجام نکات و مطالب برجسته مفهوم رطوبت غریزی استخراج گردید.

تعیین مثال‌های عینی از مفهوم در صورت امکان: رشد و نمو نوزاد و انتقال به دوره کودکی و نوجوانی، سپس جوانی و میانسالی و سرانجام رسیدن به دوره پیری و مرگ، یک مثال عینی از وجود و تغییرات رطوبت غریزی در بدن انسان است.

تعیین فرضیات و دلالت‌های تحلیل برای توسعه بیش‌تر مفهوم: در طول مطالعه با توجه به داده‌های به دست آمده فرضیات متناسب برای توسعه بیش‌تر مفهوم شکل گرفت. همچنین تحلیل داده‌های مطالعه به گونه‌ای مستدل انجام پذیرفت، بدین معنی که نتایج، منطقی، منظم و تکامل یافته براساس کتب و مقالات معتبر باشد (۴).

یافته‌ها

پس از جستجوی منابع و استخراج مطالب، داده‌ها ذیل عناوین ویژگی‌ها (تعاریف، ماهیت و توصیفات مربوط به رطوبت غریزی)، پیشنهادها (عوامل موثر بر رطوبت غریزی) و پساندها (عملکردهای رطوبت غریزی) دسته‌بندی شد. نمونه‌ای از این دسته‌بندی در جدول شماره ۱ درج شده است.

جدول شماره ۱: دسته‌بندی داده‌ها

ویژگی‌ها	پساندها	پیشانیها
رطوبت‌های بدن، بخشی رطوبت‌های اولی است و بخش دیگر رطوبت‌های ثانوی (۱).	هر انسانی دارای اجزای طبیعی است که آن زمان مرگش است. این مرگ به دلیل تحلیل رطوبت غریزی و به دنبال آن اطفای حرارت غریزی رخ می‌دهد (۱).	تدبیر حفظ الصحه مانع اثر اسبابی می‌شود که رطوبت اولیه طبیعی را خشک می‌کند (۲).
رطوبت، سهولت قبول و ترک آن است (۵).	با نقصان رطوبت، حرارت غریزی نیز به‌طور فزاینده کاهش یافته تا این که حرارت خاموش می‌شود، مانند چرافی که به دلیل اتمام روغن، خاموش می‌شود (۲).	تدبیر درست باعث می‌شود تا حد ممکن آن‌چه از رطوبت تحلیل رفته جایگزین شود (۳).
رطوبت کیفیتی است که جسم بدن سهل التشکل به شکلی که حاوی (شکل) غریب است و سهل التزک مر آن را می‌باشد (۵).	رطوبت ثانویه به وجود آمده از اختلاط در عروق دقاق: این رطوبت ماده تغذیه‌کننده بدن و ترطیب مفاصل است (۷).	در بیماری‌های مزمن به دلیل طولانی بودن مرض باعث ذوب رطوبت در اعضای اصلیه و لحمیه می‌شوند و آن‌ها را خشک می‌کنند روح و خون در بدن نقصان پیدا می‌کند (۶).
رطوبت‌های بدن، بخشی رطوبت‌های اولی است و بخش دیگر رطوبت‌های ثانوی (۳).	رطوبت در ابتدای زندگی به اندازه‌ای است که هم باعث حفظ حرارت غریزی می‌شود و هم سبب نمو می‌گردد (۲).	دوای مسهل علاوه بر خروج رطوبت فضلی مجموعه، رطوبت اصلی را هم خارج می‌کند (۲).
رطوبت غریزی جسم رطب سیال است (۱).	حرارت غریزی در جوانان توسط رطوبت کم در کیفیت و کمیت نگهداری می‌شود (۲).	در بیماری تشنج کل خط را از بدن خارج نمی‌کنیم، بلکه ماده پیاسری را از فقط خارج می‌کنیم که حرکت تشنجی از بین برود تا مبدا رطوبت غریزی به تحلیل برود (۲).
رطوبت در اصطلاح فلسفی یکی از کیفیات محسوسه است و از کیفیات چهارگانه اول (حرارت، برودت، رطوبت و یوست) محسوب می‌شود (۵).	رطوبت جوانان در مقایسه با صبیان لاذک است ولی برای حفظ حرارت غریزی کافی است (۲).	بدن ما در معرض دو نوع آفت است: یکی از این آفت‌ها تحلیل رطوبت غریزی است که ما از آن خلق شدیم که این کار به صورت تدریجی صورت می‌گیرد و دومین نوع آفت تعفن و فساد و تغییر رطوبت است (۲).

در ادامه، یافته‌های این پژوهش که در قالب عناوین مذکور دسته‌بندی گردید، برای بهره‌مندی بیش‌تر، ذیل عناوینی مرتبط با مفاهیم طب ایرانی ارائه می‌گردد.

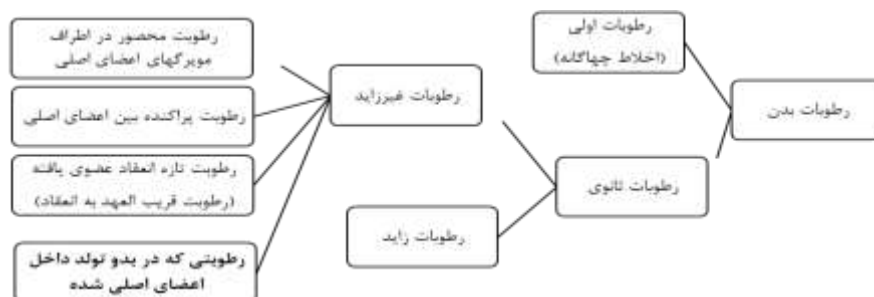
مفهوم رطوبت

در کتب طبی، رطوبت از دو منظر مورد توجه قرار گرفته است: رطوبت به عنوان عَرَض (کیفیت) و رطوبت به عنوان جوهر که هر کدام مفاهیم جداگانه‌ای دارند. در اصطلاح فلسفی، رطوبت، از منظری که عَرَض (کیفیت) شناخته می‌شود، یکی از کیفیات چهارگانه محسوس ملموس (یعنی حرارت، برودت، رطوبت و یبوست) است. در متون فلسفی، ماهیت، به دو دسته جوهر و عَرَض تقسیم می‌شود. به عبارت ساده جوهر یعنی موجودی که در وجودش نیازمند دیگری نیست و مستقل است و عَرَض یعنی موجودی که برای وجود نیازمند موجود دیگر است. به‌طور مثال میوه سیب جوهر محسوب می‌شود ولی رنگ آن عَرَض است. در تعریف رطوبت عَرَضی آمده است، رطوبت، کیفیتی است که به واسطه آن جسم به سهولت شکل پذیرفته و نیز به آسانی آن را ترک می‌کند (۵). در مباحث امور طبیعی دربخش ارکان و امزجه و قوا زمانی که بحث رطوبت به میان می‌آید منظور، کیفیت رطوبت است. در سایر مباحث امور طبیعی یعنی اخلاط، اعضا و ارواح نیز مفهوم رطوبت به میان می‌آید، که اگر اشاره به مزاج آن‌ها داشته باشد باز هم منظور همان کیفیتی است که تعریفش ذکر شد اما زمانی که در این امور به ماده رطب یا همان رطوبت اشاره می‌شود منظور آن متفاوت است. ماده رطب (رطوبت بالفعل) موجود در بدن انسان

در کتب معتبر طبی و فلسفی به جهات گوناگون تقسیم‌بندی شده است که هر کدام تفاوت‌هایی جزئی با دیگری دارد. در یک نوع تقسیم‌بندی، رطوبت‌های بدن به دو دسته کلی رطوبت‌های اولی و رطوبت‌های ثانوی تقسیم می‌شود. رطوبت‌های اولی، همان اخلاط چهارگانه دم، بلغم، صفرا و سودا می‌باشد. رطوبات ثانوی نیز دو گونه هستند: رطوبات زائد و رطوبات غیر زائد.

رطوبات غیر زائد، رطوباتی هستند که از حالت ابتدایی یعنی خلطی (رطوبات اولی) استحاله یافته و در بافت اعضا نفوذ نموده، ولی به‌طور کامل جزء بافت عضوی از اعضای مفرد بدن قرار نگرفته است. طبق نظر ابن سینا، این رطوبت‌ها در بدن چهارگونه‌اند:

۱. رطوبتی که در فضاهای خالی اطراف مویرگ‌های غذارسان به اعضای اصلی بدن، محصور می‌باشد.
۲. رطوبتی که بین اعضای اصلی بدن، همانند شبم پراکنده است و هرگاه بدن غذای مورد نیاز خود را از دست دهد، این رطوبت آمادگی تبدیل شدن به غذا را دارد و علاوه بر این هرگاه اعضای بدن بر اثر حرکت شدید یا علت دیگری خشک گردد، این رطوبت باعث رطوبت رسانی بدان اعضا می‌گردد.
۳. رطوبتی که به تازگی انعقاد عضوی یافته و آن غذایی است که به لحاظ مزاج و رنگ شبیه عضو شده، به گوهر عضو نیز تبدیل شده، ولی هنوز قوام کامل نیافته است.
۴. رطوبتی که از بدو تولد دراعضای اصلی بدن داخل گردیده و باعث پیوستگی اجزای عضو می‌گردد، منشأ این رطوبت، نطفه است و منشأ نطفه از اخلاط (موجود در بدن پدر و مادر) می‌باشد (۸، ۷، ۲) (تصویر شماره ۱).



تصویر شماره ۱: انواع رطوبات بدن بر اساس نظر ابن سینا

اعضای اصلی که ابن سینا در نوع چهارم رطوبات ثانویه بدان اشاره نمود، اصطلاحی است که در منابع طبی کم‌تر بدان پرداخته شده است و لذا شایسته است توضیح مختصری در این زمینه بیان شود. یکی از تقسیم‌بندی‌های اعضای در طب ایرانی به اعتبار مفرد یا مرکب بودن اعضاست. اعضای مفرد یا متشابهه الاجزاء، اعضای هستند که جزیی از آن‌ها با کلشان در اسم و تعریف یکی است که اکثریت اطبا تعداد این اعضا را یازده دانسته‌اند و شامل استخوان، غضروف، عصب، وتر، رباط، شریان، ورید، غشا، گوشت، پیه و سمین هستند. به عقیده طبای کهن ایرانی برخی از این اعضا از ماده منی و برخی از ماده خون موجود در رحم مادر به وجود می‌آیند. اعضای که از ماده منی تشکیل شده را اعضای اصلی یا منوی نامیدند که عبارتند از استخوان، غضروف، عصب، وتر، رباط، شریان، ورید، غشا و سه عضو دیگر که از ماده خون (دم) تشکیل می‌شوند را اعضای دموی خواندند. در واقع به جز گوشت و چربی‌ها بقیه اعضای مفرد جنین از منی مرد و زن تکون می‌یابند (۲).

مفهوم رطوبت غریزی

همان‌طور که ملاحظه شد در مبحث تقسیم‌بندی رطوبات، مفهوم مستقل رطوبت غریزی به چشم نمی‌خورد. بنا بر دلایلی که نمی‌دانیم، در متون طب ایرانی به طور کامل و مستقل به مفهوم رطوبت غریزی پرداخته نشده است. در عوض به کرات در تشبیهاتی واژه رطوبت غریزی در کنار حرارت غریزی آورده شده است. هم‌چنین حکمای مختلف تعاریف متفاوتی را از رطوبت غریزی در کتاب‌هایشان مطرح کرده‌اند.

بسیاری از حکما و اطبا خصوصاً در کتب طبی از تشبیه روغن چراغ و شعله آن (حرارت) برای معرفی رطوبت و حرارت غریزی استفاده کرده‌اند؛ که رطوبت غریزی به منزله روغن چراغ بوده و حرارت غریزی با سوزاندن این رطوبت عملکرد خود را انجام می‌دهد. در واقع نسبت رطوبت غریزی به حرارت غریزی را نسبت

روغن چراغ به شعله آن (حرارت) می‌دانند (۶، ۱۲-۱۰). ملاقطب از شاگردان برجسته خواجه نصیرالدین طوسی در تعلیقه اشارات و تنبیهات ابن سینا در علت نامگذاری رطوبت غریزی گفته است این رطوبت، آلت و ابزاری است برای حرارت غریزی به همین خاطر به آن رطوبت غریزی گفته می‌شود (۱۳).

رطوبت غریزی اصلی

ابن سینا در فن سوم از کتاب اول قانون در فصلی با عنوان «اسباب حفظ صحت و مرض و ضرورت موت» به شرح اسباب خارجی و داخلی که موجب از بین رفتن رطوبات غریزی بدن و به تبع آن ضعف حرارت غریزی می‌شوند، پرداخته است. در بیان اسباب داخلی این امر به نکته‌ای بسیار ظریف و مهم اشاره می‌کند که جای تأمل بسیار دارد.

وی می‌نویسد حرارت غریزی در ایفای نقش و عملکرد خود ضرورتاً از رطوبت غریزی استفاده می‌کند و بدین ترتیب رطوبت غریزی به تحلیل می‌رود. بدیهی است که بدن برای حفظ حیات خود به ناچار باید این رطوبت تحلیل رفته را جایگزین (بدل مایتحلل) نماید. این جایگزینی در طی فرآیند هضم و نضج حاصل می‌شود. اما نکته مهم این است که به اعتقاد ابن سینا رطوبتی که جایگزین می‌شود عین رطوبت غریزی اصلی نیست، بلکه از لحاظ ماهیت با رطوبت غریزی اصلی تفاوت دارد.

وی در ادامه رطوبت و حرارت غریزی را به روغن چراغ و شعله آن، تشبیه نموده و برای سوخت چراغ دو نوع رطوبت قائل می‌شود: رطوبت غریزی که همان سوخت اصلی است و رطوبت حاصل از تغذیه و هضم که سوخت غیر اصلی است. اولی را به روغن و دومی را به آب تشبیه می‌کند و این تشبیه در نگاه ابن سینا با این حد از تفاوت بین دو نوع سوخت (روغن و آب) قابل تأمل است. ابن سینا در بیان فرآیند پیری و نهایتاً مرگ معتقد است در طول عمر از سوخت اصلی کاسته و بر

سوخت غیر اصلی افزوده می شود و این امر پس از آن که سوخت غیر اصلی در نیمه دوم عمر هر فرد، سوخت غالب بدن وی شد، موجب تضعیف حرارت غریزی شده و فرآیند پیری آغاز می گردد، تا جایی که سوخت اصلی از بین رفته و غیر اصلی جایگزین آن می گردد که در چنین حالتی با انقطاع حرارت غریزی، موت حاصل می شود.

جناب علی بن ابی الحزم قُرشی معروف به ابن نفیس در کتاب الموجز فی الطب که طبق نظر بسیاری، خلاصه قانون ابن سیناست با استفاده از نظر ابن سینا در این زمینه می نویسد:

«الوارد و إن أمکن أن یکون مثل المتحلل بحسب الکم بل فاضلاً علیه، لا یمکن أن یکون مثله بحسب کیف».

یعنی «بدل مایتحلل اگر چه ممکن است به حسب "کمیت" به اندازه آن چه به تحلیل رفته باشد و یا حتی بیش از آن اما ممکن نیست که به حسب "کیفیت" مثل رطوبت غریزی تحلیل رفته باشد»

جمال الدین افسرانی در کتاب شرح الموجز ابن نفیس با عنوان حل الموجز در تبیین مطلب فوق می نویسد:

«تخمیر و نضج رطوبت غریزی اصلی، در سه مکان صورت می گیرد: اول در اوعیه غذا (سیستم گوارشی پدر و مادر)، دوم در اوعیه منی (سیستم تناسلی پدر و مادر) Ovary در خانم ها و Testis در آقایان و سوم در رحم مادر» (۵، ۱۰).

بهاء الدوله رازی نیز در کتاب خلاصه التجارب به این مراحل سه گانه گوارش برای رطوبت غریزی اشاره می کند بدین عبارت:

«آنچه از رطوبات غریبه بدل ما یتحلل بدن می شود قائم مقام آن رطوبت نمی شود، زیرا که آن رطوبت اصلیه قبل از طبخ در این بدن در اوعیه غذا و منی و رحم پدر و مادر طبخ یافته و طبخ این رطوبات هم در این بدن بود فقط» (۱۴).

مفهوم رطوبت غریزی اصلی و نحوه تکون آن، بعدها توسط حکیم ملاصدرا در کتاب اسفار مورد تأیید قرار گرفته و با تفصیل بیش تری بیان شده است^۱).

بر طبق بیان حکمای فوق چند نکته مهم قابل برداشت است:

- اولاً عبارت «رطوبت غریزی اصلی» در کلام اطباء فوق، بیانگر آن است که رطوبت غریزی اصطلاح عام تری از رطوبت اصلی است.

- ثانیاً رطوبت غریزی به این اعتبار به دو نوع اصلی و غیر اصلی تقسیم می شود.

- و ثالثاً رطوبت غریزی اصلی، رطوبتی است که هر سه مرحله نضج را در سیستم های گوارشی، تناسلی و رحمی طی کرده است و از طریق نطفه به جنین منتقل شده و در اعضای اصلی قرار می گیرد.

پیش تر از قول جناب ابن سینا اشاره گردید نوع چهارم رطوبات ثانویه غیرزائد، رطوبتی است که از بدو تولد در اعضای اصلی بدن داخل گردیده و باعث پیوستگی اجزای این اعضا می گردد. به نظر می رسد این رطوبت نوع چهارم همان رطوبت غریزی اصلی باشد. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که افسرایی، بهاء الدوله و ملاصدرا، تنها، رطوبتی که در سه مکان گوارشی، تناسلی و رحمی هضم یافته را رطوبت اصلی می دانند و طبیعتاً چنین رطوبتی پس از به دنیا آمدن و در طول زندگی افراد قابل تولید نیست.

۱. «تخمیر و نضج رطوبت غریزی اصلی، در سه مکان ابتدا در دستگاه (اوعیه) گوارشی (هر یک از والدین) سپس در دستگاه تناسلی (آنان) و نهایتاً در رحم (مادر) صورت می گیرد. در حالی که تخمیر و نضج رطوبت غریزی (غیر اصلی) توسط قوه غاذیه صرفاً در مکان اول (دستگاه گوارشی) انجام می شود ولذا هرگز امتزاج و نضج کاملی همانند رطوبت غریزی اصلی پیدا نمی کند و به مرتبه بدل حقیقی نمی رسد بلکه قوت این رطوبت غریزی غیر اصلی نسبت به قوت رطوبت غریزی اصلی ناقص است همچنانکه قوت آب اگر به عنوان بدل روغن برای چراغ استفاده شود ناقص خواهد بود و...

رطوبت غریزی غیراصلی

بنا به شرح فوق به نظر می‌رسد که رطوبات غریزی که در بدن پس از تولد ایجاد می‌شود اگرچه غریزی هستند، اما اصلی نیستند. در متون طبّی کهن به‌طور آشکار از اصطلاح رطوبت غریزی غیراصلی استفاده نشده، حال آن‌که بنابر نکات زیر به‌کارگیری این اصطلاح برای فهم مفهوم رطوبت غریزی مفید خواهد بود:

نکته اول: رطوبت غریزی اصطلاحی عام و دارای مصادیق گوناگون است. شاهد این فرض، سخن شیخ الرئیس در کتاب قانون است که رطوبت منی را «یکی از مصادیق رطوبت غریزی» نامیده است.

«المنی وهو من جملة الرطوبة الغریزیه القریبه العهد بالانقصاد، و منها تغتدی الأعضاء الأصلیه».

ابن سینا در اینجا عنوان می‌کند که مواد غذایی که در سیر استحالّات خود به رطوبت قریب العهد به انعقاد استحاله پیدا کرده و تحت عنوان منی شناخته شده‌اند، از جمله رطوبات غریزی هستند (۲).

نکته دوم: رطوبت اصلی موجود در اعضای اصلی که نضج سه گانه (گوارشی، تناسلی، رحمی) دارد، بنا بر نظر اقسرائی، بهاء الدوله و ملاصدرا قسمی از رطوبات غریزی است. این رطوبت، براساس تقسیمات شیخ‌الرئیس همان قسم چهارم رطوبات ثانوی غیرزائد است (۵).

نکته سوم: به نظر می‌رسد رطوبات ثانوی غیرزائد داخل در اقسام رطوبات غریزی اند کما اینکه در متون طبّی، غریزی بودن دو قسم از رطوبات چهارگانه غیرزائد یعنی "رطوبات موجود در اعضای اصلی" و "رطوبت قریب العهد به انعقاد" به‌طور آشکار بیان شده است. دو قسم دیگر رطوبات غیرزائد یعنی "رطوبت محصور در اطراف مویرگ‌های اعضای اصلی" و "رطوبت پراکنده بین اعضای اصلی" با توجه به غذا رسانی به اعضای اصلی می‌توانند رطوبت غریزی در نظر گرفته شوند.

با توجه به موارد گفته شده می‌توان، رطوبت غریزی اصلی را منحصر در قسم چهارم رطوبات ثانوی غیرزائد دانست و سایر اقسام رطوبات غیرزائد یعنی رطوبت محصور در اطراف مویرگ‌های اعضای اصلی، رطوبت پراکنده بین اعضای اصلی و رطوبت تازه انعقاد یافته را ذیل رطوبات غریزی غیر اصلی جای داد.

علاوه بر این نظرات درباره رطوبت غریزی، ابن نفیس در شرح فصول بقراط عقیده دارد، حار غریزی همان رطوبت غریزی است که موجب قوام حرارت غریزی می‌گردد (۱۵). حار غریزی در تقسیم‌بندی رطوبات بدنی شیخ‌الرئیس و سایر حکما ذکر نشده است، اما با توجه به این که حار غریزی فرآیند نضج سه گانه (گوارشی، تناسلی، رحمی) را طی نمی‌کند به نظر می‌رسد نمی‌تواند در دسته رطوبت غریزی اصلی باشد، ولی می‌توان آن را در دسته رطوبات غریزی غیر اصلی جای داد. افزون بر این طبق نظر صریحی که ملاصدرا در کتاب مبدا و معاد مطرح نموده است، حار غریزی همان روح حیوانی است (۱۶).

ولذا یکی از نتایج بسیار مهم که در فهم متون طبّی کمک فراوانی می‌کند، این است که حار غریزی و روح حیوانی به یک حقیقت در بدن اشاره دارند، بنابراین می‌توان روح حیوانی را نیز جزء رطوبات غریزی غیراصلی دانست که البته این نظریه نیازمند بررسی بیش‌تر است.

نقش رطوبت غریزی در طول حیات

در طب ایرانی اعتقاد بر این است که چرخه تولید مثل دارای سه مرحله نضج (هضم) است که از تولید منی مرد و زن آغاز می‌شود. فرآیند تولید نطفه نیازمند طی مراحل نضج گوارشی در سیستم گوارشی و پس از آن نضج تناسلی در سیستم تناسلی است. مرحله سوم نضج نیز در رحم مادر و زمانی آغاز می‌شود که نطفه تشکیل شده از منی مرد و زن در آن قرار می‌گیرد و رشد می‌کند تا زمانی که نوزاد به دنیا بیاید. در مرحله رحمی حرارت

غریزی با اثر بر رطوبت غریزی سبب تکامل نطفه به جنین کامل می گردد. گفته می شود که مدت زمان نضج و کامل شدن جنین هم به میزان رطوبت غریزی بستگی دارد (۱۰،۵).

رطوبت غریزی اصلی و به تبع آن حرارت غریزی در افراد مختلف هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت به طور مساوی نیستند و از این نظر با یکدیگر اختلاف دارند و این اختلاف ناشی از اختلاف در مزاج افراد می باشد. در زمان تشکیل جنین، هر عضوی از بدن به سهم خود دارای میزان متناسبی از رطوبت غریزی می شود (۲).

در ابتدای زندگی این رطوبت به اندازه ای است که هم باعث حفظ حرارت غریزی می شود و هم سبب نمو می گردد. بدن کودکان از مقدار معتدل، مرطوب تر است. دلیل این سخن علاوه بر نزدیکی به زمان انعقاد نطفه، نرمی استخوان و اعصاب آنهاست. رطوبت در جوانان به اندازه ای کاهش می یابد که تنها یکی از دو جنبه حفظ حرارت و تداوم رشد و نمو قابل انجام است. طبیعتاً رشد و نمو متوقف و حرارت غریزی حفظ می شود. مزاج میانسالان و مخصوصاً سالمندان به دلیل سفتی استخوان و دوری از زمان انعقاد نطفه، رطوبت کمتری دارد. در سالمندان رطوبت غریزی به تحلیل رفته با رطوبت غریبه جایگزین می شود (۲).

در طول حیات رطوبت غریزی بدن ما در معرض دو نوع آفت است، تحلیل رطوبت و تعفن آن. این دو متفاوت از یکدیگرند هرچند عفونت رطوبت در نهایت موجب تحلیل می شود. هر کدام از این دو نوع آفت ذکر شده اسباب خارجی و داخلی دارد: اسباب خارجی مثل هوا که محل رطوبت و در زمان همه گیری ها مُعَفَن آن است. در داخل بدن حرارت غریزی و نیز حرکات بدنی و نفسانی، رطوبت را مصرف می کنند. هم چنین حرارت غریبه که از تغذیه و غیر آن به وجود می آید، ممکن است رطوبت را متعفن و در نتیجه به تحلیل برسد (۲).

در مجموع، این اسباب تحلیل برنده، سبب خشکی بدن می شود و این خشکی به طور روزافزون زیاد می شود تا این که رطوبات بدن از جمله رطوبت غریزی که به منزله ماده و روغن چراغ حیات است به طور فزاینده نقصان پیدا می کند و با نقصان رطوبت، حرارت غریزی نیز بطور فزاینده کاهش یافته، تا این که حرارت خاموش می شود مانند چراغی که به دلیل اتمام روغن، خاموش می شود (۲).

تدابیری که برای حفظ رطوبت غریزی در کتب طبیبی بیان شده از یک سو برای حمایت و حراست از این رطوبت در مقابله با آفات مذکور و از سویی دیگر برای جایگزین نمودن آنچه از این رطوبت به تحلیل رفته است، می باشد. چیزی که جایگزین رطوبت غریزی اصلی می شود و آن را پایدار می کند غذاست. غذا در بدن دچار تغییراتی می شود و رطوبتی می دهد که تا اندازه ای رطوبت تحلیل رفته را جبران می کند (۲). این جایگزینی به لحاظ کمیت می تواند بخش تحلیل رفته از رطوبت غریزی بدن را جبران کند اما به لحاظ کیفیت نمی تواند آن را جبران کند (۱۴).

موارد فوق بیانگر اهمیت حفظ رطوبت غریزی اصلی از تحلیل حرارت بیرونی و حرارت غریزی در طول مدت حیات است (۲). بنابراین بر طبیب لازم است با شناخت دقیق رطوبات غریزی، بهترین شیوه برای حفظ آنها از تحلیل و عفونت را بشناسد. بر اساس آموزه های طب ایرانی، می توان گفت بهترین راه حفظ رطوبات غریزی از تحلیل و عفونت، رعایت شش اصل ضروری برای حفظ تندرستی یعنی اتخاذ تدابیر لازم در زمینه تغذیه، ورزش، خواب و بیداری، هوا، هیجانات نفسانی، نگهداری مواد لازم و دفع مواد زائد است.

بحث

در طب ایرانی که مبنایی فلسفی دارد، مفهوم رطوبت و حرارت از مفاهیم کلیدی محسوب می شوند. طبیعت بدن از ماده رطوبت غریزی استفاده می کند، تا

حرارت غریزی تولید کند و اعتقاد بر این است که تمام اعمال فیزیولوژیک بدن انسان با واسطه حرارت غریزی انجام می‌شود. از این منظر، مرگ طبیعی انسان نیز به دلیل تحلیل رطوبت غریزی و به دنبال آن خاموشی حرارت غریزی رخ می‌دهد.

تحلیل مفهوم رطوبت غریزی برای اولین بار در این مقاله بررسی شده است و مقاله مشابه برای مقایسه مفهومی که ما استخراج نموده‌ایم، وجود ندارد. البته مفهوم رطوبت و انواع آن در مقاله حکیمی و همکاران مورد بررسی قرار گرفته، اما در آن اشاره‌ای به مفهوم رطوبت غریزی نشده است. روش کار مقاله مذکور به صورت مروری (Narrative review) بوده و به ارتباط رطوبت با هر یک از امور هفتگانه طبیعی می‌پردازد و در ذیل عنوان خلط به رطوبات بدنی (اولیه و ثانویه) اشاره می‌کند و انواع رطوبات ثانویه را نام می‌برد. به نظر می‌رسد چون رطوبات ثانیه در ادامه هضم رطوبات اولی (خلط) به وجود می‌آیند لذا رطوبات ثانیه را ذیل آن شرح نموده‌اند (۳). حال آن که براساس تحلیل مقاله ما، رطوبات ثانویه زیر مجموعه رطوبات غریزی هستند.

مفهوم رطوبت غریزی در منابع انگلیسی زبان از دیدگاه فلسفی تاریخی مورد توجه قرار گرفته است. خلاصه‌ای که از آن‌ها در دسترس است، رابطه رطوبت و حرارت غریزی و اهمیت این دو مقوله را در منابع طب سنتی بیان می‌کند (۱۷، ۱۸).

با وجود این که در طب رایج صراحتاً به مفهوم رطوبت غریزی پرداخته نشده است، اما به‌طور غیرمستقیم می‌توان نشانه‌هایی از رطوبت غریزی را در برخی مقالات بررسی نمود. به‌طور مثال در منابع طب ایرانی یکی از معیارهای سنجش رطوبت غریزی نرمی و سفتی اعضای بدن از جمله رگ‌ها عنوان شده است. بیش‌ترین میزان نرمی و رطوبت در اعضای بدن در زمان تولد است، که به مرور کاهش پیدا کرده و در سالمندی تمامی اعضا به سمت خشکی و سفتی می‌روند (۲). آئورت به‌عنوان بزرگ‌ترین سرخرگ بدن و از اعضای اصلی نیز دچار این

تغییرات می‌شود (۲). سفتی آئورت (Aortic stiffness) از مشخصه‌های روند پیری (Hallmark of aging) است (۱۹). این امر معیاری برای سنجش خاصیت ارتجاعی دیواره عروق است و به‌عنوان مقاومت الاستیک در برابر تغییر شکل توصیف می‌شود (۱۹، ۲۰). این وصف به توصیف رطوبت در مفاهیم طبی ایرانی نزدیک است، که رطوبت را انعطاف و شکل‌پذیری معرفی می‌کند (۵). از نظر بافت‌شناسی سفتی آئورت زمانی رخ می‌دهد که فیبرهای الاستیک (الاستین) در دیواره شریان شروع به فرسوده شدن می‌کند (۱۹). از آن‌جا که سفتی آئورت زمینه ساز ابتلا به فشارخون بالا و همچنین یک عامل خطر پذیرفته شده برای بیماری‌های قلبی عروقی مستقل از فشارخون است، پیشگیری و درمان آن از اهمیت بالایی برخوردار است (۲۰). به نظر می‌رسد شاید بتوان با استفاده از روش‌های حفظ رطوبت غریزی اعضا و تدابیر رطوبت بخش مناسب، راهی مؤثر برای درمان مبتلایان به برخی امراض مزمن که خشکی اعضا از علل زمینه‌ساز آن‌هاست، پیشنهاد نمود.

در پایان می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به داده‌های به‌دست آمده از متون قدیم می‌توان رطوبت غریزی را به دو قسم رطوبت غریزی اصلی و غیراصلی تقسیم کرد (تصویر شماره ۲). رطوبت غریزی اصلی: رطوبت موجود در اعضای مفرده اصلی (منوی) است. این رطوبات از زمان جنینی پس از طی مراحل آماده‌سازی سه‌گانه در سیستم‌های گوارشی، تناسلی و رحمی در اعضای بدن قرار گرفته و باعث پیوستگی اجزای عضو می‌گردد، منشأ اصلی این رطوبت، نطفه است.



تصویر شماره ۲: انواع رطوبات غریزی

اصلی، ۳. رطوبت قریب العهد به انعقاد، ۴. حار غریزی (روح حیوانی). انواع رطوبات غریزی غیر اصلی، جایگزین رطوبات غریزی اصلی محسوب می‌شوند، تا رطوبت غریزی اصلی در حد امکان دچار کم‌ترین تحلیل شده و تا زمانی که عمر طبیعی فرد اقتضا می‌کند، باقی بماند.

رطوبت غریزی غیر اصلی: رطوبتی است که از غذای خورده شده در مسیر هضم‌های چهارگانه (معدی، کبدی، عروقی و بافتی) ایجاد می‌شود و خود به چند قسم تقسیم می‌گردد که شامل: ۱. رطوبت محصور در اطراف مویرگ‌های اعضای اصلی، ۲. رطوبت پراکنده بین اعضای

References

- Heravi MY. Ain al-Hayat. Tehran: Iran Univ Med Sci, Medical History Studies; 2007.
- Ibn Sina HA. al-Qanun fi al-tibb. Lebanon: Alamy Le-Al-Matboot Institute; 2005.
- Hakimi F, Mokaberi Nejad R, Nazem E, Mojahedi M, Tansaz M, Choopani R, et al. The concept of wetness and its kinds in Persian medicine. JIITM 2019; 9(4):321-332.
- Rodgers BL, Knafl KA. Concept development in nursing: foundation, techniques and application. 2nd ed. Philadelphia: Saunders; 2000.
- Sadr al-Din Shirazi ME. Al-Hikma al-muta'aliya fi l-asfar al-'aqliyya al-arba'a. Beyrut: Muktaba Al-Mustafawi; 1989.
- Ahwazi AA. Kamel-al-Sanaeh. Qom: Jalaoddin; 2008.
- Aghili khorasani MH. Moalejat-e Aghili. Tehran: Institute of Medical History, Islamic Medicine and Complementary Medicine; 2008.
- Ibn Sina HA. Al-Shifa (Al-Tabiyat). Qom: Public Library of Hazrat Ayatollah Marashi Najafi; 1984.
- Aghili khorasani MH. Kholasat al-Hikma. Qom: Ismaeelian; 2005.
- Aqsarai J. Sharh-e aqsarai. Tehran: Iran Univ Med Sci, Institute of Medical History Studies; 2008.
- Shaharzani MA. Mofarreh-al gholoob. Tehran: Alma'ee; 2012.
- Jorjani E. Zakhireye Kharazm Shahi. Tehran: Iranian Medical Academy; 2001.
- Qutbuddin Razi MM. Sharh-o al-Esharat-o al-tanbihat (maa al-Mohakat). Qom: Book Publishing Office; 1982.
- Razi Baha-doleh, Kholasato al-taterob, Tehran: Iran Univ Med Sci, Institute of Medical History, Islamic and Complementary Medicine; 2013.
- Ibn Nafis. Sharh-e fosol-e aboghrat. Tehran: Iran Univ Med Sci, Institute of Medical History Studies, Islamic and complementary medicine; 2005.
- Sadr al-Din Shirazi ME. Al-Mabad and Al-Maad. Tehran: Iranian Wisdom and Philosophy Association; 1975.
- Hopwood N, Flemming R, Kassell L. Reproduction: antiquity to the present day. Cambridge: Cambridge University Press; 2018. p. 195-208.
- Moreau E. Innate Heat. In Sgarbi M, (ed). Encyclopedia of Renaissance Philosophy. Switzerland: Springer International Pub; 2022. p. 1690-1691.
- Sethi S, Rivera O, Oliveros R, Chilton R. Aortic stiffness: pathophysiology, clinical implications, and approach to treatment. Integr Blood Press Control 2014; 7: 29-34.
- Angoff R, Mosarla RC, Tsao CW. Aortic stiffness: epidemiology, risk factors, and relevant biomarkers. Front Cardiovasc Med 2021; 8: 709396.